

استادان...

بجز مسموع برای راه انداختن کار خود... برای استناد... این افترا را مستند...

گرایش انحصار طلبی درون روحانیت... یک گرایش ارتجاعی است که ما آنکه به جعل... و ناحود آگاهی نوده ها از سکو و سواستفاده...

و روشنگران آنها که میگویند قدرت را به... احضار خود در آوردند و سیاست بازگذاشته... خود را در قبال سرمایه داری جهانی و مالکیت...

عادت و احزاب زیاد سخنرانی میکنند، از باز... گشتن استبداد و خطر فاشیسم، و با بقول آقای... سخاسی بوجود آمدن "یک ارتجاع انحصار طلبی..."

طلب میشود و با اقدامات و دروغها... شدیدا تمسکیندها و ملایان به تنگ آمده اند... در اطراف منشی لیسرال و همدستان را دیدگاه...

آقای سزوی، این حرفها را از کی یاد گرفته اند؟

وزارت امور خارجه آقای سزوی... چند روز پیش، در همان شوم و زار بار... چه رژیم سابق، طی اطامعه ای، به گروهی...

پیرامون...
شکلور پیدا نکند. پراکندگی و شش-م-
جود مکنش کمیونستی و کارگری ما مثلا
این سخن را از حزب مودن محروم کرده
است. بعد از حزب طبقه کارگر را در م-
رزه ما سوزواری خلق ملاح کرده است.

مبارزه ایستادگی درون جنبش
مبارزه ایستادگی درون جنبش
کمیونستی و سان گروهها و محافل مبار-
مانهای مختلف، مبارزه است که میخواهد
ما طرد نقطه نظرات و شیهای غیرکارگری

طبقه کارگر نسل از آنکه محو شو
را در اساس از نبود ایدئولوژیهای میگا
پاک نکند، قبل از آنکه محو شود،
قبل از آنکه حزب خود را احاد کند ش-
خوانند متعادل یک طبقه به یک مبارزه همه

مبارزه ایستادگی درون جنبش
مبارزه ایستادگی درون جنبش
کمیونستی و سان گروهها و محافل مبار-
مانهای مختلف، مبارزه است که میخواهد
ما طرد نقطه نظرات و شیهای غیرکارگری

مبارزه ایستادگی درون جنبش
مبارزه ایستادگی درون جنبش
کمیونستی و سان گروهها و محافل مبار-
مانهای مختلف، مبارزه است که میخواهد
ما طرد نقطه نظرات و شیهای غیرکارگری

مبارزه ایستادگی درون جنبش
مبارزه ایستادگی درون جنبش
کمیونستی و سان گروهها و محافل مبار-
مانهای مختلف، مبارزه است که میخواهد
ما طرد نقطه نظرات و شیهای غیرکارگری

مبارزه ایستادگی درون جنبش
مبارزه ایستادگی درون جنبش
کمیونستی و سان گروهها و محافل مبار-
مانهای مختلف، مبارزه است که میخواهد
ما طرد نقطه نظرات و شیهای غیرکارگری

نوکوش طبقه کارگر که در مودن خودن مبارزه
ایدئولوژیک میکند که جنبه غیرمدمه مبارزه
را تشکیل میدهد. امروز جنبش کمیونستی
سرای متحدین و در شرایط پراکندگی و شش-
موجود در آن مبارزه یک مبارزه همه جانبه
ایدئولوژیک، سیاسی و شوربک است. جنبش
کمیونستی ما متحد نخواهد شد، مگر آنکه در
کوران چین مبارزه ای برسرتر مبارزات
عملی، سوبزه مبارزه طبقه کارگر و برنام-
معمی برای آن قرار گیرد و از آن بگذرد.
امانوسندگان "حقیقت کاذب" این نظر اصول
ندارد و آنکارا کم بهائی به مبارزه اید-
ئولوژیک درون جنبش کمیونستی را تقویزه
مکنند و برای آن در مدمندی قائل میشوند.
آنها درک نمیکنند که طبقه کارگر ناما-
نگه متحد نشود، ناما نگه حزب خود را بد-
ست نیاورد، ناما نگه به آگاهی طبقاتی
دست نیابد، نخواهد توانست مبارزه ایدئو-
لوژیک علیه بورژوازی را پیروزمندانه به
پیش برود طبیعی نیز هست که از بورژوازی
تکست مورد آنها درک نمیکنند که برولتا
ریا برای آنکه بتواند به نبره بزرگتر
مبارزه ایدئولوژیک علیه طبقه بورژوازی
وارد شود، باید صفوف خود را سامان دهد
و این کار بطور ضمنی محتای جز مبارزه یا
انحرافات بورژوازی و خرده بورژوازی که
در درون صفوف او نفوذ کرده اند ندارد.

در زمانه پارتیاریا مود متحدینست و
از زمان سیاسی و ایدئولوژیک خود رانداید
در زمانه کمیونستی پراکنده و شش-
کمیونستی ملو از تخت است، تکی کوشی
در باره عمده بودن مبارزه ایدئولوژیک
پارتیاریا بر طبقه طبقه بورژوازی، چه
محتای دارد جز اینکه بخواهد به مبارزه
ایدئولوژیک درون جنبش کمیونستی کمینا
دهند و این کمینا را با شور و هیجان نامیدند؟
حقاقت نق در جای دیگری مینویسد:

"اشاره کردیم که از نظر طبقه کارگر، مبار-
زه ایدئولوژیک اساسا مبارزه است که
این طبقه باید بنحیض یک طبقه برابر
ایدئولوژی بورژوازی مورت بدهد. اما در مود
ما هنوز حزب طبقه کارگر موجود نیست،
تا بمتوان و جدان سیدار و زبان گویای این
طبقه در مرمه ایدئولوژی نیز علیه بورژوا-
زی مبارزه کند طبقه کارگر را بطور مشخص
در زمینه مبارزه ایدئولوژیک و نیز خود
تشریری فسی و قدرتمند گرداند. لذا ما این
وظیفه هم مانند سایر وظایف بردن جنبش
پراکنده کمیونستی می افند، این جنبش کمو-
نیستی و محافل و گروههای متعدد پراکنده
انتخفه باید این مبارزه را به پیش برند
ولی آیا جنبش کمیونستی را از جمله در
همین زمینه همین همی در زمینه پیشبرد
محتیمی از مبارزه ایدئولوژیک طبقه
کارگر نمیتوان متحد کرد؟ اگر مبارزه بر
سراخلافات درون جنبش را بعنوان رکن اصل
و جود مبارزه ایدئولوژیک برنامته باشد،
فقطند گیم، طبقا پاسخ چنین سؤالی منفی
خواهد بود. در حالیکه فرض از مبارزه اید-
ئولوژیک در درجه اول یعنی مبارزه پستا
هنگانش علیه بورژوازی و برای دفاع از
سوسیالیسم عملی در مرمه ایدئولوژی، در
این مورت آری نمیتوان بخش وسیعی از جنبش
کمیونستی را از جمله بروی پیشبرد متحد-
انه همین وظیفه متحد کرد. آیا میتوان
از طریق یک اختلاف از مدمه این امکان را،
بوجود آورد...؟" (ص ۵)

اختلاف یعنی توافق گروهها و سازمانها به
روی یک مئی و برنامه ایدئولوژیک سیاسی
تشریح و تشکیلاتی حداقل مباحث استقلال
گروهها در همه موارد دیگر، اگر جدائی
گروهها در اساس مباحث اختلافات ایدئولو-
ژیک - سیاسی و تشریح مود در مباحث
است و اگر این اختلافات خود بیانگر وجود
انحرافات مختلف در میان این جنبش و در
نحیض نمود ایده های بورژوازی و خرده-
بورژوازی در آنست و اگر اختلافات بهر
محتیای حل یا سازش با اختلافات بلکه توافق
میگردد یک برنامه حداقل میباشد و اجازه
رست به انحرافات مختلف میدهد. (پسول
پوستندگان مقاله نیز اختلافات و مباحث باید

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

توانستگان "حقیقت کاذب" یک شعور
کللی و عام که فوختان را باید بگویند ای باید
که مین متحد کردن نخبهها همه مارکسیست
لیسنیستها، مروح مشترک مواج سوده وجهت
گیری مارکسیستی - لیسنیستی و صدوزیبو-
نیستی خویش را از دست ندهند، در همین حال
چنان شعوری میباید که نخبه یکی دو گروه
حاضر به کار کریں در کرد آن شوند!!!

نوشته های...
ایران...
حاشیه: ۱! فقط برای کسانی که...

اول همین مدعیان در "سازمان" تشریح...
شورک...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

گروههای و عناصر لیبرال برای...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...

سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...
سازمان...



تقسیم اراضی توسط دهقانان

در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است. در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است. در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است.

در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است. در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است. در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است.

در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است. در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است. در تارما روستاها هم اکنون انعقاد میسر شده است.

دهقانان به نادانسانا و نمانی میگرفتند. این وضع اسفناار برای دهقانان قابل تحمل نبود و در نتیجه تنها راهی که برایشان باقی میماند این بود که زمین را به زمین مالکین و دلالان بفروشند و یا به دست اربابان بگذارند. خلاصی نبود. در چنین شرایطی کشاورزان و دهقانان در پیش یکدیگر از سرپرستان و زمینداران و کفشار پیروی که منتظر چنین روزی برای دهقانان بودیدند برای غنیمت دوساره زمین های دهقانی و خلع بدهقانان از زمین وی تا کمک محدودترین مال بومی خود مسئله "خرید زمینها" را مطرح میکنند. تا کسب نمایند که این زمین ها جزو زمینهای ملیتانی شوند و طبق قانون این زمینها تا ۲۵ سال قابل انتقال بیست و مگر تحت شرایط و ضوابطی که رئیس کشت املاک سران احاطه دارد. اما عمده ترین درویش بخت داشتن نبود در دستگاه دولتی و هدایت باندهای زمین خوار خود میتوانستند این انتقال غیرقانونی را همسران با منت گذاشتن بدون دهقانان مطلوب "قانونی" صورت دهند. با فرض اینکه زمینها را می خریدند و زمینها را می خریدند و زمینها را می خریدند.

موج غارت اراضی دهقانان در ایران از اواخر دهه ۳۰ کیلومتر مربعی زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند. این زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند. این زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند.

این زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند. این زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند. این زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند.

روستاها چگونه است؟ در روز ۵۷/۱۲/۱۲ برخی مباحثه را در کمیته به اتفاق مساعلی درویش به روستای رستمیان وارد شده پس از بررسی به دهقانان با داشتن ادعای حق زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند. این زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند.

موجود در دهکده ۱۲۰۰ نفر جمعیت دارد. این روستا در حدود ۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و در حدود ۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. این روستا در حدود ۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد.

این روستا در حدود ۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. این روستا در حدود ۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. این روستا در حدود ۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد.

- ۱- رسیدگی بوضع موجود در دهه ۳۰ و ۴۰
- ۲- احداث شورای دهقانی
- ۳- تفویض دهقانان و کارگران به مالکیت و شرکت های تعاونی
- ۴- دادن سهم و کفایت زمینها و سایر زمینها
- ۵- پرداخت اقسام بدون بهره و تطویل اقسام
- ۶- تهیه محصولات کشاورزان
- ۷- تأسیس درمانگاه برای روستا

در این روستا محرمه تشکیل شورای دهقانی سمبلدورسازید و مواضع این روستا را در کمیته امور روستاها در نظر گرفتند. پس نمونه های کم و بیش در بسیاری از روستاهای شمال ایران به اتمام رسید. این کمیته ها اکنون بنا بر مقرر در حفظ این زمینها توسط دهقانان و زمینداران در اختیار گرفتند.

حقیقت ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران را بخوانید و آنرا در میان مردم پخش کنید!

تقسیم اراضی توسط دهقانان در منطقه آمل

روستای بزمینان از توابع دشت سر در قسمت شمال شهر آمل قرار دارد. منطقه آن با ۱۲۹ خانوار جمعیتی حدود ۱۰۵۰ نفر را در بر میگیرد.

هنوز چند سالی از اطلاعات ارضی نگذشته بود که ماهیت رفتار و سبب آن برای دهقانان این روستا متلاطم گردید. دولت با وارد کردن انواع اقسام محصولات کشاورزی و همچنین کمک نکردن به آنها از سبب مانی آلات کشاورزی و وام بدون بهره و ۱۰۰۰ روبروز دهقانان را به مرگ تدریجی سوق میدادند. در نتیجه دهقانان زحمتکش برای ادامه حیات خود دست فخری سوزی از زمینهای خود را به دست دلالان فرو کرده اند. حدود ۱۲۰ خانوار از این روستا با اوضاع بسیار گریختنی ضمن بنام محدودترین مبلغ یک میلیون و دویست هزار تومان از اینک فرمان به مدت ۱۰ سال با بهره ۱۰٪ وام گرفته اند.

محدودترین پولدار روستا زمین خوار معروف و محلی و رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی این روستا ساکذاشتن سند ضمنی، ضمانت این سند را بعهده گرفت. و در مقابل از دهقانان بابت این وام بخت دریافت کرد. بعد از مدت اندکی دهقانان قادر نبودند قرض خود را بپردازند و در نتیجه بابت این وام با بهره ۱۰٪ به مدت ۱۰ سال تسدیکت. بگفته دهقانان کشاورزان با لانه و مقدار زیاد بابت بستان داخلی در مال های قبل از ۲۲۰۰ بستان بستان بود. این اراضی که همان زمینهای دهقانان است را فروخته کرده بود و خود را به دست دهقانان و زمینداران در اختیار گرفتند. تحت فشار دایر سرپرست و وام فرار میگردند. سلا مومکنده دهقانان ناچار به بستان روستا را خریداری کردند و بستانهای خود را به زمینداران و زمینداران در اختیار گرفتند. این زمینها را به دست اربابان و زمینداران در اختیار گرفتند.

نفی مبارزه ایدئولوژیک، زیر لوای

مبارزه ایدئولوژیک

ارمانی که به حکم ضرورت جامعه، بسیاری از گروهها و سازمانهای کمونیستی یا یکدیگر ارباط گرفته و نه هکذا ریهای برسد بگردان زده اند، بهیچمانی میگردند، در طی این دوران محاسبات و گفتگوهای زیادی بپیرامون وحدت جنبش کمونیستی ما در ایران داشته و جنبش کمونیستی ما در این زمینه تا حد حیرت و تعجبی تشدید نیز بوده است. گاهی به مناسبت و مسائل مورد بحث نشان میدهد که این مباحثات گریخته مسئله وحدت جنبش کمونیستی ما مربوط بوده اند، اما همیشه در اطراف آن دور میزدند و هنوز آن مسائلی که وحدت جنبش کمونیستی ما بسته به حلشان میباشد، طرح نبرشته اند چه برسد به اینکه محور مباحثات را تشکیل دهند، گروهها و سازمانهایی که در بسیاری موارد و گاه اساسی با یکدیگر اختلاف دارند و نقطه نظرات متفاوت و گاه متضاد را در باره مسائل انقلاب ما و جنبش کمونیستی ما دارا هستند، هنوز به بحث پیرامون این مسائل نپرداخته و بیشتر بگرد ضرورت یا عدم ضرورت این کار گفتگو میکنند، تا مگر در مورد این مسائل، البته طبیعی است که مثل از برداشتن به مسائل اساسی، باید به ضرورت چنین کاری مورد توافق قرار گیرد، لکن در واقع است که بالاخره طبیبها و نقطه نظرات مختلف در تحلیل سیاسی نه براین منتهی، بلکه بگرد پاسخگویی به مسائل اساسی جنبش کمونیستی ما شکل خواهد گرفت. بقول ما توفیق دهن، خط منی ایدئولوژیک - سیاسی تعیین کننده همه چیز است.

اینکه جنبش کمونیستی ما هنوز به ندرت مباحثات اصلی وحدت جنبش کمونیستی ما نگذاشته و در اطراف آن میچرخد، آشکارا نشان میدهد که آن و تحت درون مفروضات منساخته، در این حال نباید فراموش کرد که در این جریان، گروهها و نقطه نظراتی سیر هستند که آگاهانه از تشخیص این امر عاجزند و به مباحثات غیر اساسی و غیر ضروری میپردازند. ما با انداز کافی و زیاد از حد وقت خود را صرف این مسیر انحرافی نموده است و زمانی مابقی در این عرصه جز زبان هیچ چیز نماند نخواهد آورد. عرصه را نباید تعیین داد و عرصه مباحثات ایدئولوژیک - سیاسی و شوربختانه و تشکیلاتی که عملاً گروهها و سازمانها و محافل جنبش کمونیستی ما را در عداد سبک گذاشته است، نباید گشوده شود.

کنیم که گروهها و نقطه نظراتی بر حسب آن آگاهانه از تغییر این عرصه سبک میگذرانند، از جمله این کسان، یکی، نویسندگان "جنبش کاذب" میباشد که از فعالان نشان تا محال، گریه غلیبی صحبت ضرورت مبارزه ایدئولوژیک و آگاه کردن همه کارگران و امتحال میزنند، اما عملاً ما نماند جنبش کمونیستی ما در یک مسیر انحرافی است همین کارها شده اند. مقاله "در اتحاد حزب (۲)"، "جنبش کاذب" شماره ۱۲۰، سپهرش نشود این حرکت است. ما در شماره قبل گزندی از مقاله سرده در مورد گردیم و حال آنرا ادامه داد و بحث دیگر را مورد برخورد قرار ندهیم. بر اساس مقاله نامبرده، کوشش است برکانه برای تعیین یک انحراف، برای هدف آکدی موجود در جنبش کمونیستی ما.

ای ایجاد خفشت هرچه بیشتر در صفوف آن، نویسندگان مقاله، در راه انجام این هدف ما مقدس، موقعیت و جایگاه کمونیست کمونیستی ما را بنا نهاد سفره گرفته، احکام نشد. ریک مارکسیسم را وارث کرده اند. و ساتوا. ستانند کلیاتی سیاسی ما را باید کرده اند. هدف آنک چیز است، حفظ پراکندگی و تشنج و نهمی آن.

آنها افکارا برایین عقیده اند که از درون سازمانها و گروهها و محافل کمونیستی موجود چیزی بیرون نخواهد آمد، بنده آنها گروهها و سازمانهای کمونیستی موجود که در فرمالیتهای عالی ترین شکل تکامل جنبش کمونیستی ما هستند، به سمت سبک ریزند و باید دنبال چیز دیگری رفت، این همه کبابه و کوشه هائی هم که اینجا و آنجا این جنبش میزنند ناشی از همین ارزیابی است. آنها این جنبش را "روشنگر مآبانه" و فافه ارزش میدارند و در نتیجه طبیعی نیز هست که به هر کوشش جدی برای متحد کردن آن پشت پا میزنند، در تمام طول مباحثات ما، این ارزیابی چشم سبک خورد و چون نتیجهی مجموعه نقطه نظراتشان را یکدیگر متصل میکنند.

نویسندگان مقاله در آمار حکم

توطئه هائی از همه رنگ در کار است!

این عنوان یکی از مقالات "مردم" ارگان مرکزی حزب بوده، ایران، شماره ۲۵، دوشنبه ۲۱ مرداد است. زیر عنوان مقاله نوشته شده: "آنها شیکه آرمائهای حلقه سر و عداست ماری انقلاب پیگیری را به ما دارند، دقت کنید که در انواع دامهای گسترده نیفتند!"

ما هم همین عنوانها را انتخاب می- کنیم، زیرا کمیته مرکزی حزب توده همواره برای تحقق اهداف حاشائش خود، توطئه ها را رنگ آمیزی میکند، زمانی با سیاست ظاهر لیبیرالی، گاهی با سیاست به ظاهر آیدگالی، در راه فریب "نوده"، ستمنده "مردم" که همیشه به آرمائهای خویش وفادارند، دام میگزینند.

نقطه مزیت حزب توده، برای تعیین سیاستها و تاکتیک های خود، سیاستها را با آن سوداگر روسی اش میبازد، زمانی به مدینه سرائی رژیم شاه میپردازد و یا برچ اسکندری در کنگره احزاب برادر میگوید "حزب توده، ایران در زمین اینکها ارقام استرسنی - خواها که گفتم منظور از زمین برین مناسبات فوایدی تولید و تیرا فدا مانی که در جهت صنعتی کردن و مدرنیزه کردن کشور میسر شود، پختنی است میگوید..." (مردم، شماره ۲۱ دوره ششم)، زمانی دیگر خواهش از روی کار آمدن "منحاج نامه تر و افق پس تر بهیخت خاکمه" (دستا، شماره ۲۷ سال ۱۳۵۴) میشود، و با مسرود خود را در زمین نیروهای رادیکال جامعه جا میزنند.

لذا با اشاره آریاب برزینده، ما تک لیبیرالی و ما زنگار را با ما سگ را دیگالی! اما در همین حال مباحثات حویا به عویس میکند، و در این رنگ برای فریب مردم و کسب امتیاز را با ظاهر میخورد، ای سگ را که ما مدیریم؛ در چند هفته اخیر کنشش و مساره راهی میان احزاب و سازمانها یا مباحثات - سوزواری و سوزواری، مذهبی و سیاسی - مذهبی جریان با فضا است، ما در مقاله "آمنیا رطلان و لیبیرالیا" در همین شماره دلیل مصیبت این عدالها را مورد مناقشه قرار داده ایم، لذا کار را رسیکیم.

ما حزب توده نیز بهای خود را به معرکه گذاشته است، و بدیهال مناسبت فریبکارانه و سرپا دروغ، تحت عنوان "حزب ما وطیبه خود ترمه است که از این منی که در رهبری فاطح امام خمینی متعلقسی است و پختنی است کند"، "دعا می" مودر آن است.

اراسته الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی در مقابل استقلال خود، "سوزواری لیبیرالی" شسته است.

این مقاله طبق معمول پها منی برای حزب جمهوری اسلامی دارد که در این کنشش اخیر "حزب توده" مدافع نشاست. و برای آنکه این دفاع "کوچک جلوه نکند، حزب توده با اهرم قلم، مقام خویش را در این کنشش با لایمپیر، ملامت میسوزد: "سوزواری لیبیرالی تصور میکند: ... خواهشوا است انقلاب را در مسیر دلخواه خود میگذراند، لذا باید در تعیین رهبری امام خمینی و تیر و حسیبای پختنیان آن، از حمله و سوزیزه حزب توده ایران و در میدان خود، در جای دیگری از همین مقاله میسوزد: "تحتین سوزواری که ... فعل ار همه و پیش از همه با امام خمینی و حزب توده ایران، سبزه در پیش گرفتن است، سوزواری لیبیرالی است."

محقق است! در این جا روحیال لبها هیچ جا صحبتی از حزب توده نموده، جنبشها آغازی از رژیم سنجایی، رهبر حسیب علیسی، در گفتگویی با اطلاعات، بقول خود حزب توده، از در بیرون حزب توده شوال میکند "آمنای کباب سوزی، وقتی انقلاب ما رخشا گمسیا بودید... و برای انقلاب تا حالا چه کرده اید؟"

کتاب بوری در مردم شماره ۲۰۲۶، مرد ۱۳۵۴